

یادداشت‌های مرحوم عباس اقبال*

آقا کوچک شیرازی ، از عهد کودکی تا کنون باقا محمد حسین آغولی ترکی نقاش انبازاست وبنقاشی ممتاز . (آثارعجم ص ۵۴۸) .

ابراهیم استرآبادی (بولانا) ، خط نستعلیق را خوب مینویسد . بنا براین مدتی منشی روضه رضوید علی ساکنها السلام والتحیة بود . این مطلع از اوست:

منم سرداده در صحرای دل مشکین غزالی را

بر آورده بخوناب جگر نازک نهالی را
(تحفه ساسی ۸۲)

میرزا ابراهیم بن میرزا شاه حسین اصفهانی ، جناب میرزا نیز بطریق میر (یعنی میرعلی مشهدی) منحرف نویسن بود، اما خط او رتبه خط میرانداشت . سخی طبع و صاحب همت قلندر روش و درویش منش بود . آنچه دست مکتتش بان میرسید در سفره اخلاص نهاده وثاق سراسر بی نفاقش از آمدش ظرفاوشعرا و مردم اهل خالی نبود و گاهی بزرگانه در کمال تنعم روزگار گذرانیده گاهی ایام هفته را بنان جوی قناعت کرده بردرتوکل نشسته بود . از ارباب مناصب بقدر رعایتی می یافت اما بسیار مرد شوخ طبع صحبت دوست بود راه ظریفی و خبائت و بد گوئی و ضیغ و شریف در خدمت جناب میرزا گشاده بود و در شعر فهمی و تتبع لغات فرس دعوی انفراد مینمود . رساله ای که در لغات فرس تصنیف نموده اکنون شایعست . (عالم آرای عباسی)

● این یادداشتها توسط آقای محمد شیروانی دبیر دانشگاه تنظیم گردیده و این بخش شامل هنرمندان و خصوصاً خطاطان است .

ملا ابراهیم تبریزی، بعضی گفته اند از قزوین و اکثر خطوط خصوصاً نستعلیق را خوب مینوشت و در موسیقی نیز وقوفی تمام دارد، این مطلع از اوست :

تا بکی یار رقیبان بهر آزارم شوی
کی بود کز بهر آزارم دمی یارم شوی
(تحفه ساسی ۸۲)

میر ابراهیم قانونی، از اکثر فضایل بهره مند است و خط را نیز خوب مینویسد و قانون را در روش می نوازد و در نغمات پیر آهنگ است و این رباعی از اوست :

تا لعل تو دلفروز خواهد بودن
کارم همه آه و سوز خواهد بودن
گفتی که بخانه تو آیم روزی
آن روز کدام روز خواهد بودن ؟
(تحفه ساسی ص ۴۶)

ابو اسحاق بن محمد بن احمد صوفی سمرقندی، ناسخ نسخه جهانگشای جوینی بتاریخ شوال ۸۴۱ (ذیل نسخ فارسی کتابخانه ملی پاریس بشماره ۲۰۶) صفحه قط از مقدمه جلد اول جهانگشای جوینی چاپ آقای قزوینی،
(*Les arts de l' Iran, 150*)

ابو البقاء موسوی خطاط که در ۱۱۰۱ حیات داشته (*Rieu II 785a*).
ابو بکر بن علی بن محمد الاسفر اینی باکان، کاتب ثلث، دیوان عطار بخط او بتاریخ شعبان ۷۳۱ در کتابخانه سلطنتی هست.

ابو بکر بن محمد خلیل ساعت ساز، در سال ۷۲۵ ساعت عجیب مدرسه رکنیه یزد را ساخته بوده است (تاریخ جدید یزد ص ۱۳۵-۱۳۶)

میرزا ابوالقاسم اینجوی شیرازی، که قطعه ای بتاریخ ۱۱۸۰ بخط او در لندن هست. (*Rieu II و 786b*)

احمد حسینی کاتب ، (*Rieu II 783a*) .

احمد شمع ریز از شاگردان بلا واسطه مولانا میر علی .

سلطان احمد جلایر ، (۷۸۴-۸۱۴) پادشاهی هنرمند و هنرپرور و خوش طبع بوده و اشعار عربی و فارسی نیکو میگفته و در انواع هنر چون تصویر و تذهیب و قوایی و سهامی و خاتم بندی و غیر ذلک استاد بودی و شش قلم خط نوشتی و در علم موسیقی و ادوار صاحب فن است و چندین نسخه درین علم تألیف کرده اوست و خواجه عبدالله ملازم او بوده و گویند که شاگرد اوست و در این روزگار در میان مطربان و مغنیان اکثر تصانیف او متداول است (تذکره دولت شاه ص ۶۰۳) .

میر سید احمد مشهدی (۹۸۶) از شاگردان میر علی خطاط مشهدی .

(مجالس المؤمنین در شرح حال میر علی) . از میر معز کاشی :

فرید خطه خط سید احمد مشهد که دست قدرتش از روی خط گشود نقاب
وحید دهر محمد حسین تبریزی که از سحاب قلم میفشاند در خوشاب
زرشحه قلم شکبار این هردو چو شد صحایف آفاق جمله زینت یاب
زحاکمی که بود عامل دفاتر عمر رسید حکم نویسنده اجل بشتاب
قلم کشید بر اوراق عمر این هردو برات زندگی هردو را نمود خراب
معزی از پی تاریخ شد بفکر شبی درین خیال چو خوابش ربود ، دید بخواب
که این دو کاتب قدرت نویس را تاریخ نوشت کاتب تقدیر و قبله الکتاب ،
(تذکره تقی الدین در شرح حال میر معز کاشی)

میرزا احمد نیریزی ، که در ۱۱۱۷ در حیات بوده (*Rieu II 787a*) .

احمد هروی ، خوشنویس کاتب عجائب المخلوقات بتاریخ اول ربیع الاول
۷۹ بنام سلطان احمد جلایر . (کتابخانه ملی پاریس ذیل نسخ فارسی شماره ۳۳۲)

(*Les arts de l'Iran, 146*) .

اسدالله خان غفاری کاشانی ، تصویر سیاه و سفید آقا رحیم علی پیکر لله باشی

امیر دوست محمدخان و تصویر میرزا بیدل کرمانشاهی بتاريخ ۱۲۸۳ بقلم اودر مرقع ۴۱۲ لندن هست ، (Rieu supp.) .

ملا اسمعیل نجاتی استرآبادی ، پسر مولانا ابراهیم است ، خط نستعلیق را بدنی نویسد و در شعر تخلص او نجاتی است . این از اوست :

آمد بهار و هر طرفی صوت بلبل است

ساقی بیارمی که عجب موسم گلی است

(تحفه ساسی ۸۲)

اظهر تبریزی ، خوشنویس از شاگردان جعفر تبریزی ، در اوایل عمر بهرات و کرمان و یزد و اصفهان سفر کرد و مدتی در این نواحی ماند سپس بشیراز و بصره و بغداد و مکه و شام و حلب و بیت المقدس سفر نمود و بسال ۸۸۰ در بیت المقدس برحمت ایزدی پیوست . سلطان علی مشهدی از شاگردان اوست . (خط و خطاطان ص ۱۸۷) . یک قطعه بخط نستعلیق از او در جزء مرقع گلشن هست و رقم آن اینست : « کتبه العبد الفقیر المحتاج الی رحمة الله تعالی و غفرانه اظهر احسن الله احواله فی الدارین » .

اعجاز رقم خان ، از خطاطان هند (Rieu II 782a) .

انیسی ، اصلش از ولایت خوارزمست و در خدمت سلطان یعقوب سی بود و خط نستعلیق را چنان مینوشت که مردم او را قرینه مولانا سلطان علی میدانند و فی الواقع در آن روش خط را بسرحد رسانیده ، گاهی نظمی از او سر میزند . این مطلع از اوست :

مژه مانع نشود اشک من مجزون را

نتوان بست بخاشاک ره جیحون را

(خط و خطاطان ص ۲۳۲-۲۳۳) ، (تحفه ساسی ص ۸۱) .

میرزا باقر شیرازی، خلف مرحوم میرزا محمد علی معلم در نقاشی و ساختن مجسمه صورت و گل مسلم است و برهمگنان مقدم، در شعر حسرت تخلص میکند، این اشعار از اوست:

صبا خواهد چو برهاند زقید نافه چینم

شمیمی عنبرافشان آورد زان زلف پرچینم

ترش ابرونشینی تند گوئی تلخ برخیزی

بیغما تابری باشور و غوغا جان شیرینم

ز بیداد غمت با کس نباید ماجرا گفتن

که بر روقصه دل سی نگار د اشک خونینم

ایضاً

بران سرم که ز سیمین بران کناره کنم

تهی است کیسه ز زر غیر ازین چه چاره کنم

بدستم افتد اگر موئی از سر زلفش

صدش گره زنم و باوی استخاره کنم

سرا بمحفل جانان دلا مجال وصول

چون نیست، به که ترانایب الزیاره کنم .

(آثار عجم ص ۵۴۸)

میرزا ابایسنقر، (۸۰۲-۸۳۷) در هنر پروری و هنرمندی شهره اقالیم شد و خط و شعر در روزگار او رواج یافت و هنرمندان و فضلاء با آوازه او از اطراف و اکناف روی بغداد متش آوردند، گویند که چهل کاتب خوشنویس در کتابخانه او بکتابت مشغول بودند و مولانا جعفر تبریزی سرآمد کتاب بوده، و هنرمندان را عنایتها کردی و شعرا را دوست داشتی و در تجمل کوشیدی و ندیمان و جلسان با ظرایف داشتی و از سلاطین روزگار بعد از خسرو پرویز چون ابایسنقر سلطان کسی بعشرت و تجمل معاش نکرده و شعر ترکی و فارسی را نیکوگفتی و فهمیدی و بشش قلم خط نوشتی. (تذکره دولت‌شاه . ۳۵۰)

بها شیرازی (ملاعلی)، درحکاکی مهر و اسم و انگشتری و نشان کمال قدرت و تسلط را دارد هم بر روی عقیق و امثاله نقش میکند هم بر روی فلزات، و مهرهای سنگنه رنگین و بی رنگ را که خطش برجسته باشد نیز در کمال استادی عمل می آورد. از شیوه هاشیوه میرعماد را پذیرفته و از جانب قدسی تعلیم گرفته. (آثار عجم ص ۵۰۱)

بهاءالدین هزاراسب، از خوشنویسان عهد شاهرخ که سوره انا فتحنا رادر عمارت این پادشاه در یزد که تاریخ ۸۱۹ دارد و همان سوره را در مسجد جامع یزد در عهد حکومت امیرزاده پیرمحمد شیخ بخط خود نوشته است.

(تاریخ جدید یزد صفحات ۱۲۵، ۱۰۳، ۱۰۴)

بهرام میرزا ابن شاه اسماعیل صفوی (ظهیرالدین) (۹۴۶) در خطه خطوط خصوصاً نستعلیق انگشت نما و در معموره طراحی و شعر و سعی بی قرینه و بی همتا، گاهی میل بفن موسیقی نموده و قانون استعداد را بچنگ گزفتی و نوای عشاق بینوارا در پرده بزرگی نهفتی، این رباعی آبدار بر صحیفه روزگار گذاشت:

افسوس که در خیال و خوابیم همه در پرده ظلمت و حجابیم همه

پیوسته ب فکر ناصوابیم همه و ز شومی نفس در عذابیم همه

کتاب لب التواریخ را میریحیی قزوینی بنام او تألیف کرده، تخلص او در شعر بهرام است. (تحفه ساسی ۹-۱۰).

کمال الدین بهزاد (۹۴۰ یا ۹۴۲)، نسخه ای از ظفرنامه شرف الدین علی یزدی بتاریخ سال ۹۳۵ در کتابخانه سلطنتی است دارای بیست و چهار مجلس صورت که همه اثر قلم بهزاد است و در خاتمه آن نوشته شده است: «کتبه سلطان محمد نور، صوره بهزاد و ذهبه میرعبدالصمد».

وفات بهزاد را صاحب شاهد صادق و بتقلید او مؤلف منتظم ناصری در سال ۹۴۰ نوشته اند: استاد کمال الدین نقاش مظهر بدایع صواست و مظهر نوادر هنر، قلم مانی رقمش ناسخ آثار عالم و بنان معجز شیمش ماحی تصویرات هنروران بنی آدم، بیت:

سوی قلمش ز اوستادی جان داده بصورت جمادی

و جناب استادی بيمن تربیت و حسن رعایت امیر نظام‌الدین علیشیر باین مرتبه ترقی نموده و حضرت خاقان منصور را نیز بآنجناب التفات و عنایت بسیار بود و حالا نیز آن نادر العصر صافی اعتقاد منظور نظر مرحمت سلاطین انام است و مشمول عاطفت بی‌نهایت حکام اسلام، بی‌شبهه همیشه این چنین خواهد بود .

(حیب‌السیر در سلطنت شاه اسمعیل).

استادان نادره کار این فن مثل بهزاد و سلطان محمد که در این فن طاق بودند و در نزاکت قلم شهره آفاق بودند در کتابخانه معموره (یعنی کتابخانه شاه طهماسب) کار میکردند . (عالم آرای عباسی) .

مزارش در باغ شیخ کمال در جنب مزار شیخ (یعنی شیخ کمال خجندی) واقع شده است و این ابیات بر لوح مزارش منقوش است:

و حید عصر بهزاد ، آنکه چون او	ز بطن مادر ایام کم زاد
اجل چون صورت عمرش پیرداخت	قضا خاک وجودش داد بر باد
زمن صورتگری تاریخ پرسید	بدو گفتم جواب از جان ناشاد
اگر خواهی که تاریخش بدانی	نظر افکن به «خاک قبر بهزاد»

(روضه اطهار حشری ص ۶۳)

از بصوران بهزاد بود ، کار مصوری را بسیار نازک کرد ، اما چهره آرای بی‌ریش را بدسیگشاد ، غبغب او را بسیار کلان می کشید ، آدم ریش دار را خوب چهره گشائی میکرد (بابرنامه ص ۱۱۵) .

در کتابخانه ابوالفتح ابراهیم میرزای بهرام میرزای صفوی (مقتول در ۹۸۴) بقول مؤلف خلاصه التواریخ کتب نفسیه و مرقعات مرغوبه ای از نوادر روزگار بوده است که یکی از مرقعاتش محتوی برخطوط استادان نادر و خوشنویسان قادر و تصاویر استاد و نقاشان بی‌بدل بوده و قیمت آن با خراج یک مملکت برابری مینموده است .

(دانشمندان آذربایجان ص ۱۹-۲۰) .

پیر بوداق یک قیلان اوغلی شاملو ، که در نستعلیق ترقی کرده در میانه شاملو ممتاز بوده . (عالم آرای عباسی) .

پیر علی ، از خطاطان معاصر و رفیق باجامی (Rieu, II, 782) .
تاج الدین ، معلم اصفهانی ، خطاط خط ثلث ، کاتب قسمتی از کتیبه ایوان مسجد جامع اصفهان که در عهدشاه عباس ثانی تعمیر شده .

ترا با اصفهانی ، اصلش از اصفهانست ، در تزکیه نفس کمال سعی نموده ، در تعلیم خط نسخ تعلیق شاگرد ملافایضی بود اما صد چون فایضی از او فیض میبرد ، دست مبارکی داشت . هر کس از او تعلیم گرفت خوش نویس شد . خود نقل میگرد که مدتی بمقتضای سن بهره گردی میل نموده روزی در قهوه خانه نشسته بوده که مرحوم میر عماد با اتفاق رشید همشیره زاده اش از در قهوه خانه گذشت ، بخاطر فقیر رسید که اگر میر صفای باطن دارد بقهوه خانه می آید . با اینکه چند قدم رفته بود برگشته بقهوه خانه آمده قهوه ای خورد و بر خاسته گفت که در خانه ما هم اینها می باشد . فقیر متنبه شده روز دیگر بمنزل ایشان رفته در بالا خانه که بر سر در بود مکان ساخته دوازده سال حرکت نکردم چنانچه گلیمی که در زیر من بود جای پای من سوراخ شد . غرض که خط جوانیهای او هیچ کم از مشاهیر نیست . تتبع اشعار متقدمین نموده شعر را خوب می فهمد . شعرش این است :

دل من بی خدنگت حضوری ندارد

که شب خانه بی شمع نوری ندارد

مشو درهم از خاطر من را شکستی

قصوری ندارد ، قصوری ندارد .

(تذکره نصر آبادی ۲۰۸)

جانی پیر استاد بهرام ، که در اصفهان در ۱۰۹۶ برای Kaempfer هلندی چندین مجلس نقاشی ساخته ، (Rieu, II, 786a) .

جعفر تبریزی ، در تحریر انواع خطوط درجه کمال داشت ، بتخصیص در نسخ

تعلیق و مولانا اظہر و مولانا شہاب الدین عبداللہ آشپز و مولانا شیخ محمود کہ چون
ابن مقلہ صیرفی وقت و یاقوت زمان خود بودند در شاگردی مولانا جعفر بآن مرتبہ
تصاعد نمودند . (حبیب السیرج ۳ جزو سیم ص ۱۰۰) .

گویند کہ چهل کاتب خوشنویس در کتابخانہ میرزا بایسنقر (۸۰۲-۸۳۷)
بکتابت مشغول بودندی و مولانا جعفر تبریزی سرآمد کتاب بودہ .

(تذکرہ دولتشاہ ص ۳۰۰)

اصل شاہنامہ بایسنقر، بخط ہمین جعفر تبریزی در کتابخانہ سلطنتی ہست
بتاریخ ۸۳۳، و آنرا کاتب جعفر بایسنقری رقم کردہ .

جو اہر رقم ثانی میرعلیخان، در ۱۱۳۴ در حیات بودہ، (*Rieu II 785a*)
حافظ علی غوریانی ہراتی، او بہ حدت ذہن و وجودت طبع موصوف بود و
اکثر خطوط را خوب مینوشت و در علم عروض و صنایع اشعار بسیار ماہراست چنانچہ
قصیدہ مصنوع خواجہ سلمان را مکرراً تتبع کردہ است، این مطلع یکی از آنہاست:

حریم حرمت کوی تو جنت ابرار

شمیم نکہت بوی تو راحت احرار

(تحفہ سامی ۶۹)

پسر مولانا نورالدین غوریانی از اعزہ سادات غوریان بود کہ اکثر خطوط را
خوب مینوشتہ . (خط و خطاطان ۲۰۶)

حافظ اہروی، کمال الدین حسین، از خوشنویسان نسخ در عہد شاہ طہماسب

اول (۹۳۰-۹۸۵) کہ کتیبہ ای بخط او بتاریخ ۹۳۸ در مسجد جامع باقیست .

حسن بغدادی، در فن تذهیب بیقرینہ عصر و یگانہ روزگار و وحید دوران بود،
مجملاً فن تذهیب را بسرحد اعجاز رسانیدہ بود، جمیع استادان اورا در این فن علم
داشتند، در اواخر زمان شاہ جنت مکان (شاہ طہماسب) اورا متہم بان ساختند کہ
تقلید مہر اشرف کردہ الحق در آن کارید بیضا نمودہ بود، شاہ جنت مکان اورا گردانیدہ

همواره تهدید بقطع یدمی فرموده اما بالاخره بجهت آنکه در گنبد مبارک ابی عبداللہ الحسین کار کرده و زیب و زینت آن روضه مقدسه داده بود از سیاستش اغماض فرموده توبه اش دادند که دیگر مرتکب چنین امری نگردد . در زمان اسمعیل میرزا داخل اصحاب کتابخانه شد و پسرش نیز از هنرمندی پدر بهره یافته تذهیب و تصویر را بایکدیگر جمع کرده بود . (عالم آرای عباسی)

حسن بیک بن محمود بیک سالم تبریزی ، کتابه نویسی از استادان ثلث شاگرد علی بیک تبریزی . (عالم آرای عباسی) .

حسن شاملو هروی ، از خوشنویسان عهد شاه عباس ثانی (۱۰۵۲-۱۰۷۷) .
(Rieu II 786b) .

میرزا حسن شیرازی ، از سادات شیراز استاد نسخ کاتب بیک نسخه مثنوی که بطبع رسیده، در ۱۳۱۲ هجری در حیات بوده ، (آثار عجم ۵۴۰) .
میرزا حسن کرمانی ، خوشنویس (Rieu II 786b) .
میر حسین حسینی کاتب ، (Rieu II 783a) .

حسین خان نعمة اللہی ، میر فخرالدین ، از خطاطان هند (Rieu II 787b) .
حسینعلی مصور ، از نقاشان عهد شاه طهماسب (۹۳۰-۹۸۴) استاد سیاوش بیک گرجی . (عالم آرای عباسی)

میرزا حسین منشی ، ابن خواجه عنایة الله وزیر حسین بیک تعلیق نویسنده خوب و شاگرد خواجه علاءالدین منصور بود ، در سلک محرران دارالانشاء همایون منسلک بود، بروش استادش کاواک نویسنده بود و بسیار سریع الکتابه و شکسته نستعلیق را خوب مینوشت . (عالم آرای عباسی)

حیدرعلی شیرازی ، خاتم ساز که در ۱۳۱۳ در حیات بوده . (آثار عجم ۵۵۲) .
خادمعلی ، خوشنویس که در ۱۱۸۹ در حیات بوده . (Rieu II 785a) .
خلیل مصور ، که ثانی مانی بوده معاصر شاه رخ (۸۰۷-۸۵۰) (تذکره دولتشاه ص ۳۴) . غیاثالدین خلیل که در ۸۳۰ از جانب شاه رخ به ختا در جزء

سفارت رفت . (رجوع شود بحیب السیر و مطلع السعدین) .

دوست محمد بن شیخ عبد الله قاطع ، از معاصرین سلطانعلی مشهدی ، دو قطعه از خط سلطانعلی و قطع دوست محمد در مرقع گلشن متعلق بکتابخانه سلطنتی ایران است و رقم آن اینست : کتبه سلطانعلی المشهدی قاطعها دوست محمد بن شیخ عبد الله . دوست محمد کوشوان گامی ، کوشوان دهی است در حوالی هرات و مولانا جوانی خوش صحبت است و خط نستعلیق را خوب می نویسد . و در شعرو عروض و معنی مهارتی دارد و گاهی بصحافی نیز میپردازد و تخلصش گامی است . این مطلع از اوست :

تا چند بحسرت درو دیوار تو بینم

از خانه برون آی که دیدار تو بینم

(تحفه سامی ۸۳)

رحم الله حسینی ، از خطاطان هند (Rieu II 787b) .

آقارشیدخان حسینی ، از خوشنویسان هند که در ۱۱۱۸ در حیات بوده .
(Rieu II 787b) .

رشیدخوافی ، از خوشنویسان دستگاه خواجه رشیدالدین فضل الله که عده ای

از نسخ جامع التواریخ و اقدم نسخ جهانگشای جوینی (چهارم ذی الحجة ۶۸۹ ذیل نسخ فارسی پاریس بشماره ۱۰۵) بقلم اوست . (مقدمه جهانگشای فز)

میرزا رضاقلی ادیب شیرازی ، از خوشنویسان نستعلیق صاحب طبع شعر که

تا ۱۳۱۲ حیات داشته . (آثار عجم ص ۵۴۵)

روشن رقم خان غافل ، از خوشنویسان هند (Rieu II 782a) . حاجی محمد

اسمعیل سیستانی مخاطب بر روشن رقم خان بود و در خط تعلیق و نسخ و ثلث و ریحانی بدطولی داشت . نمونه ای از اشعار او در روز روشن ص ۴۸۹ هست .

زرین قلم کشمیری جهانگیرشاهی ، محمد حسین ، از خطاطان هند مقلد میر علی

هروی ، دو قطعه بخط او بتاريخ ۱۰۱۷ و ۱۰۱۸ در جزء مرقع گلشن هست .

زرین الدین محمود کاتب ، استاد میر علی مشهدی (مجالس المؤمنین مجلس دهم) .

میرزازین العابدین ، از خوشنویسان عهدشاه سلیمان (۱۰۷۷-۱۱۰۵) و شاه سلطانحسین (۱۱۰۵-۱۱۳۵)، قطعاتی بتاریخ ۱۱۲۷ و ۱۱۰۵ بخط او در لندن هست . (Rieu II 786b).

سلطانعلی قاینی (درویش) ، جوانی درویش صفت وفانی است و مدتی در ملازمت حضرت نوری مولانا عبدالرحمن جامی بوده و کتابت تصانیف او می نموده و کسی در غایت صلاح و سداد است و از عناد و فساد خالیست و بحلیه هدایت و رشاد حالی و خط نسخ تعلیق را نیکومی نویسد بمرتبه ای که روزی میگفته یک بیت من بیک تنگه ارزانست ، و مردم اهل ادراک افکار سخن او میکرده اند و این مطلع از اوست :

ای عشقت آتش درزده، ناموس ننگ و نام را

داده بباد نیستی هستی خاص و عام را

(ترجمه مجالس النفایس)

سلطان علی مشهدی، بوجاهت صورت و محاسن سیرت موصوف بود و در خط نسخ تعلیق آن قدر مهارت حاصل نمود که خطوط استادان متقدمین و متأخرین را منسوخ ساخت و در زمان خاقان منصور (سلطانحسین بایقرا) همواره باشارت آن حضرت و التماس امیرنظام الدین علیشیر بکتابت نسخ شریفه می پرداخت و گاهی بنظم اشعار نیز زبان میگشاد ، از آن جمله این مطلع ثبت افتاد :

گل در بهار از آن رخ گلگون نمونه ایست

چون اشک من که از رخ گلگون نمونه ایست

و آن جناب فی سنة تسع عشر و تسعماء در مشهد مقدسه در گذشت و هم در آن بقعه متبرک مدفون گشت (حبیب السیر در سلطنت سلطانحسین میرزا).

مولانا سلطانعلی مشهدی در خط نستعلیق مشهورتر از آنست که احتیاج بنوشتن و تعریف باشد اگرچه در تحصیل آن صنعت چند روزی بخدمت استادان شتافته اما فی الحقیقه آن رتبه عالی را از نظر ائمه و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام یافته چنانکه در رساله منظور خود بآن اشاره نموده و گفته :

از جوانی بخت بدی میلم
 بر سر کوی کم قدم زدمی
 گه ز انگشتهای قلم کردی
 از قضا میر فلسفی روزی
 قلم و کاغذ دو اتم جست
 بنوشت اوروان بدستم داد
 زانکه ابدال بود و صاحب حال
 زین سبب عشق خط زیاده شدم
 بعد از آن مدتی بر آن بگذشت
 نیت روزه (۱) علی کردم
 در خیال آنکه کار بگشاید
 تاشبی خواب دیدم از ره دید
 خواب را مختصر نمودم باز
 بیش از این زین نمط نیارم گفت
 بنده سلطانعلی غلام علیست
 روز و شب گوید از نبی و ولی
 ذکرش اینست از خفی و جلی
 (مجالس المومنین، آخر مجلس دهم)

سلطانعلی شهدی شاگرد بواسطه میرعلی تبریزی است، ملا سلطانعلی
 شهدی در خط نستعلیق مشهورتر از آنست که او را بنوشتن تعریف باشد.
 با وجودیکه سن او از شصت متجاوز بود خط را خوب مینوشت چنانکه این دو
 بیت را در مثنوی برای خود برشته نظم کشیده:

مرا عمر شصت و سه بیش است و کم
 هنوزم جوانست مشکین قلم

توانم هنوز از خفی و جلی نویسم که العبد سلطانعلی

(تحفه سامی ۶۹)

یک نسخه از مخزن الاسرار نظامی که جمادی الثانیه ۸۶۵ تاریخ دارد بخط سلطانعلی مشهدی درموزه بریتانیاست (Rieu II 573).

[در ۹۱] ملاسلطانعلی مشهدی خوش نویس در گذشت . (شاهد صادق)

مولانا سلطانعلی قبله کاتبان بیت نویس است و بس کس نفیست و خلق و خلق نیکو دارد و جوانی خوش طبع و خندیده روست و حمیده خصال و پسندیده خوست و اطوار پسندیده اوی نهایتست و کمالات اوی حدوغایت .

سیاوش یک گرجی ، - از شاگردان حسن بغدادی و از مذهب ان (خط و خطان - ۲۶۲) . غلام شاه جنت مکان (شاه طهماسب) بود و آن حضرت آثار قابلیت از اطوار او ملاحظه فرموده او را بکسب نقاشی دادند . شاگرد استاد حسین علی مصور بود چون بقدر مهارتی در آن علم یافته نزاکت قلمش خاطر نشان اشرف گردید بنفس نفیس متوجه تعلیم گشته در شاگردی آن حضرت که بر احسن صور کم تصویر یافته قلم قدرت مصورالاشیاء بود ترقی عظیم کرد . بسیار نازک قلم و دقیقه کار و مصور بی قرینه بود .

سیاه قلم و کرده پرداز و تفسیر او را هیچ استادی بدست نمیتوانست گرفت . مجلس سازی اوی عیب بود و در زمان اسمعیل میرزا از اصحاب کتابخانه شد و در زمان نواب سکندرشان او برادرش فرخ بیگ در سلک معتمدان شاهزاده جوانبخت سلطان حمزه میرزا منتظم بودند و در زمان حضرت اعلی شاهی ظل اللهی مدتها ملازمت اشرف نموده در رکاب مقدس آن حضرت عمرشان سپری شد . (عالم آرای عباسی)

سیمی نیشابوری ، شاعر مشهور ، بشش قلم خط نوشتی و در علم کتابت و هنر شعر و علم معنی در روزگار خود نظیر نداشت و رنگ آمیزی کاغذ و سیاهی ساختن و افشان و تذهیب حق او بوده و درین علوم رسائل دارد و در انشاء و تألیف و ترسل و غیرذلک صاحب فن بوده و اولاد اکابر در مکتب او متعلم بوده اند و بحسب تجربه

مکتب او را مبارکک یافته‌اند . مولانا عبدالحی شاگرد او بوده .

(تذکره دولتشاه - ص ۱۲۴)

سیدمولوی ، از خوشنویسان هند (Rieu II 782 b)

شاه بابا اصفهان از نستعلیق نویسان عراق متفرد و در کتابت مشهور آفاق

بوده الحق کاتبی در عراق مثل او نبود و در آن حین در خراسان نیز نبود . اوقات بکتابت صرف کرده تحصیل معاش از آن سمر مینمود . اکابر و اعالی خواهان خط او بودند و رعایت‌های نیکو میکردند و کتابت او نزد مردم عراق بسیار بود اما در این حین کمتر بدست می‌آید . اکثر باطراف و جوانب برده بقیمت اعلی فروختند .

(عالم آرای عباسی)

مولانا باباشاه تاثیر دبیر کاتب دیوان آسمانست منشور کتابت خط نسخ - تعلیق جز بنام مولانا ننوشت و تا عطار د پیر صاحب طالع خوشنویسان زمانست مانند او کاتبی بر صدر خوشنویسی ننشست .

از قبله کتاب امیر معزالدین خوشنویس استماع افتاد که کتابت مولانای مشارالیه در پختگی و شیرینی اگر از کتابت خوشنویسان و استادان بهتر نیست کمتر نیز نیست و الحق از قرارداد های ایامست و الیوم در صفاهان بلکه در اکثر بلاد عراق و خراسان همچو او کاتبی نیست و قلم نسخ تعلیق را در غایت خوبی کتابت میفرماید چنانکه میتوان گفت که قلمرو خط نستعلیق او را مسخر است چه مدعا و مراد از خوشنویسی کتابت خوبست و با وجود این کمال باخلاق حمیده درویشانه و اطوار پسندیده عارفانه چنان آراسته است و پیراسته که زبان قلم از شرح آن عاجز است .

اما طرفه حالتی او را واقعست و با وجود این خوبیها جمعی از مردم عراق که مدعیات دارند میگویند که وی از اهل نقطه است و بعض دیگر او را از جمله موحدین و صوفیه میدانند لیکن فقیر با مشارالیه چنان و چندان ملاقاتی و معاشرتی نکرده که این کفر و زندقه را از او فهمیده باشد یا تمیز وی از موحد و ملحد تواند کرد لهذا عنان قلم را ازین معنی کشیده میدارد و او را بمعتمد و اعتقادش وامیگذارد . و نیز اهل

روزگار بحق گفتن مقید نیستند و هر چه بمصیبت خود راست می‌یابند سیگویند و من حیران غیر آنچه دیده یا دانسته باشد نمیتوانم گفت و اگر غیر این گویم استماع و اعتقاد را نشاید و هیچ فایده بغیر از سخط و عذاب الهی نباشد...

امامولانای مشارالیه طبعش در شاعری بد نیست و در سلک شعرای کرام آنجا انتظام دارد و بمناسبت حالت عرفان و درویشی و قلت اختلاط با مردم روزگار حالی تخلص میکند و این چند بیت از انتخابیست که خود جهت مسود این اوراق مسود فرموده و التماس ثبت در این خلاصه نموده (سپس قریب چهل بیت از اشعار او را مؤلف نقل میکند). (خلاصه الاشعار تقی‌الدین کاشی)

باباشاه تربتی از شاعران عهد شاه عباس ماضی حافظ مصحف مجید و در حسن خط نستعلیق وحید و بعود نوازی فرید بود. اسلافش از قهپایه و بکثرت قیامش در اصفهان بعضی او را اصفهانی نوشته‌اند. وفاتش سنه تسعه و تسعمایه (کذا ظاهر آتسعة وتسعین و تسعمایه) در شهر تبریز واقع شده:

در رخت آنها که حیران نیستند نقش دیوارند، انسان نیستند

چه دیده‌اند گدایان عشق بر در دوست

که هر دو عالیشان در نظر نمی‌آید

(روز روشن ص ۸۶)

یک نسخه از سلسله الذهب جامی بخط باباشاه اصفهانی در کتابخانه سلطنتی ایران هست بتاريخ شهر رمضان المبارك سنة سبع و سبعین و تسعمایه.

شاه مظفر، (از نقاشان عهد بایسنقر) تصویر را بسیار نازک میکرد. عمر

بسیاری نیافت. در محل طرقي از عالم برفت. (با برنامه ص ۱۱۵)

شفیعی حسینی، در ۱۱۴۸ حیات داشته. (Rieu II 786b)

شفیعی خراسانی. از ولایت خراسانست. نهایت شکستگی و آراسی داشت و

بحبب القلوب بود طبعش خالی از لطفی نبوده خط شکسته‌اش بازار خط خوبان را

شکسته و خوش نویسان در آتش رشک نشسته در کاغذ حلوا چند سطر نوشته که حمل
بر اعجاز میتوان کرد. در سنه ۱۸۰۱ کرفتی بهمرسانده از جمیع مناهی توبه کرد ،
در آن گرفت فوت شد. شعرش اینست:

نسیم میرسد از کوی آن نگار امروز
بدیده نور نظر می‌دهد غبار امروز
بمرگ توبه نشینم بخون زهد طہم
ز دست ساقی اگر بشکنم خمار امروز
بنفشه خط و ریحان زلف و غنچه لب
بروی یار شکفته است نوبهار امروز

چرا امشب برم ای شوخ بی پروا نمی‌آیی
نمی‌آید بساغر می زمینا تا نمی‌آیی
بفردا وعده قلم چودادی سر میبچ از من
که امشب می‌کشم خود را اگر فردا نمی‌آیی
(تذکره نصرآبادی ص ۴۰۶)

شمس بایسنقری ، سلطان سعید بایسنقر (۷۹۹-۸۳۷) فرموده بود که دیوان
مولانا شمس‌الدین طوسی را مولانا شمس‌الدین خطاط کتابت نماید و این شمس -
الدین مشهور است بین الکتاب بشمس بایسنقری ، بارها میگفته که این نوع شعرو این
نوع خط که عطاست در حق این دو شمس از نواد راست . (تذکره دولت‌شاه ۱۶۱)
استاد شمس‌الدین کاشی پز ، کاشیکار قسمتی از ایوان مسجد جامع اصفهان
که در عهد شاه عباس ثانی میزیسته .

شمس‌الدین هروی ، شاگرد مولانا معروف خطاط بود و یمن تربیت میرزا
بایسنقر در حسن خط بمرتبه‌ای ترقی نمود که بسیاری از خطوط خویش را بنام یاقوت
مستعصمی کرد و مبصران نکته‌دان این معنی را قبول فرمودند .

(حبیب‌السیرح ۳ ص ۱۵۰)

شوقی یزدی ، مردی خوش صحبت و آدمی سیرتست خط را خوب مینویسد و در انشاء مهارت تمام دارد چنانکه بعضی اوقات منصب انشای من بدو تعلق داشت و اکثر کتب متداوله را خوانده است و شاعر با کیزه گوشت و از اقسام شعر در قصیده بیشتر مشغولی میکند و در جواب قصیده مولانا امیدی که گوید: «ای تو سلطان ملک زیبائی...» قصیده گفته است.

(تحفه سامی ۱۰۹-۱۱۰)

شهاب الدین عبدالله آشپز ، خوشنویس شاگرد جعفر تبریزی .

شیخ پورانی ، از خوشنویسان هند (*Rieu II.782b*) .

شیخ حمدالله ، از مشاهیر خطاطان که بسال ۹۲۵ فوت کرده .

(منتظم ناصری ۲: ۹۹)

شیرین قلم ، در ۱۱۳۴ در حیات بوده. (*Rieu II 785a*)

بقیه دارد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی